

# همکاری از من تست گرفت!



با اغلب بزرگان مثل مرحوم کیومرث پوراحمد و فرزاد مومتن کار کرده‌ام و از هر کدامشان نکات زیادی آموختم.

## یک جایی هم رفتید به سراغ بازی در فیلم‌های سینمای بدنه مثل «خالتور» این رویکرد چگونه شکل گرفت؟

اولین فیلمی که بازی کرده بودم به نام «قافله» حسین فرحبخش تهیه کننده‌اش بود و برای «خالتور» با من تماس گرفت و علیرغمی که در صد رفتن به چین بودم برای ادای دین به ایشان در «خالتور» بازی کردم.

## آیا فیلم «خالتور» شروع تجربه کردن ایفای نقش‌های خاکستری و منفی بود؟ نقش‌هایی که بیشتر در دید مخاطب قرار می‌گیرند.

برای این نرفتم این نوع نقش‌ها را بازی کنم که بیشتر در دید مخاطب باشیم. دوست داشتم وجوهات دیگر بازی‌ام در این جنس از نقش‌ها به منصفه ظهور در بیاید. به قول فیلسوفی همه آدم‌ها در درونشان نقاط تاریک وجود دارد. بازی در نقش منفی کمک می‌کند بازیگر این نقاط تاریک را شناسایی و آنها را کنترل و مدیریت کند.

## در «نوار زرد ۲» و «باز پرس» در قالب شخصیت‌های پیچیده منفی که رگه‌هایی از ریشه‌های روانی دارند بازی قابل توجهی ارائه دادید؟

در «نوار زرد ۲» دو نقش چنین ویژگی‌هایی داشت که یکی از آنها قاتل سریالی بود. البته برای این سریال نقش دیگری به من پیشنهاد شد و قبولش نکردم و به کارگردان گفتم دوست دارم نقش قاتل سریالی داستان را بازی کنم. شخصیتی که یک آرتیست است و دچار جنون می‌شود و آدمکشی می‌کند.

## آیا ایفای این نوع نقش‌ها به لحاظ روانی برایتان چالش‌هایی به همراه نداشت؟

تازه سال پیش اعتقاد داشتم که این نوع نقش‌ها را باید تکنیکی بازی کنم. اما در این سالها به این نتیجه رسیدم که هر نقشی که بازیگران حتی آنهایی که تکنیکی هستند بازی می‌کنند ته روحشان رسوب پیدا می‌کند و باید با این موقعیت کنار بیایند. اگر نگاهی به همه جای دنیا داشته باشیم اغلب بازیگرانی که در کارشان حرفه‌ای می‌شوند و فیلم‌های متعددی بازی می‌کنند بعد از مدتی دچار یک برهم ریختگی روحی و ذهنی می‌شوند که یا به الکل و مواد مخدر و افسردگی پناه می‌برند و یا راه‌های مثبت و سازنده را پیش می‌گیرند و نجات پیدا می‌کنند.

## چند سال قبل هم در کنار بازیگری رفتید به سراغ اجرا آن هم برنامه‌ای مثل کتاب باز. این رویکرد چگونه شکل گرفت؟

قبل تر از آن تجربه اجرا را با رامبد جوان در تلویزیون داشتم و چند سال گذشت و تمایلی برای اجرا نداشتم. زیرا بازیگر کارش بازیگری است و اجرا مقوله و تخصص دیگری است. اما چون این بار بحث کتاب خوانی بود احساس دین می‌کردم و فکر کردم که باید خمس و زکات کارم را بدهم و اجرای سری اول کتاب باز را قبول کردم. برنامه‌ای که جزو کارهای فرهنگی ارزشمند تلویزیون در حوزه کتاب و کتابخوانی در سال‌های اخیر بود.

## آیا خودتان هم کتابخوان حرفه‌ای هستید؟

کتابخوان حرفه‌ای بودم و چند سالی می‌شد که در این کارم وقفه ایجاد شد و به خودم آمدم و دیدم منی که کار فرهنگی انجام می‌دهم مثل خیلی از مردم به بهانه‌های مختلف ارتباطم با کتاب دچار وقفه شده است. در ذهنم سوالات زیادی به وجود آمد که آیا وقت ندارم و مگر می‌شود روزی پنج دقیقه نتوانیم کتاب مطالعه کنیم؟!

## در برنامه «لب آهنگ» خندانان هم با جوان دوباره این فضا را تجربه کردید؟

موقعی که رامبد جوان پیشنهاد داد و نمونه خارجی چنین مسابقاتی را دیده بودم با کمال میل قبول کردم و برنامه خوبی هم از کار درآمد و مخاطب داشت و بخش رقابتی کار هم برابرم مهم نبود.

## چند دهه‌ای است که زندگی در تهران را رها کردید. دلیلش چه بود؟

از اواخر دهه هفتاد تهران از همه نظر شهر پر تنش و غیرقابل تحملی شده بود و شلوغی، ترافیک، آلودگی هوا زندگی را در این کلان شهر سخت و دشوار کرده بود و به نظرم در سالهای اخیر اوضاع بدتر هم شده است و تصمیم گرفتم دیگر تهران زندگی نکنم و خوشبختانه موفق شدم به این رویایم جامه عمل بپوشانم و با همه سختی‌هایی که داشت عاقبت در روستای کمرد ساکن شدم و سالها قبل باغ قدیمی در این روستا خریدم و شروع به ساخت خانه‌ام در باغ کردم. البته زندگی در روستا سختی‌های خاص خودش را دارد.

## چه سختی‌هایی؟

از خیلی چیزها راضی و از برخی از مسائل ناراضی هستم. به هر حال معاشرت با برخی از آدمها چندان جذاب نیست و نمی‌دانم چرا هر کسی با من برخورد می‌کند فکر می‌کند همه بازیگران دستمزد میلیاردری می‌گیرند و اگر قصد خرید چیزی را داشته باشم باید چند برابر هزینه‌اش را بپردازم.

## حتما باز زندگی در روستا احساس آرامش دارید.

من آرامش را به صورت فردی پیدا کردم. آرامشی که از درون من نشأت می‌گیرد و زندگی در روستا هم توانسته در این زمینه به من کمک کند. وقتی از زرق و برق و شلوغی و هیاهوی شهری دور هستم حس خوبی دارم.

دوست داشتم. اما متن‌هایی که می‌خواستم کار کنم به طور حتم بعد از ساخت دچار ممیزی می‌شد. هنوز هم پیشنهاداتی دارم اما ترجیح می‌دهم صبر کنم.

## در سینما با سیروس الوند تجربه موفق فیلم «تله» را داشتید که ادامه دار نشد. دلیلش چه بود؟

الوند و نوع نگاهش در فیلمسازی را دوست دارم و از بازی‌ام در «تله» راضی بود. اما بعد از ساخت این فیلم الوند در سینما کم کارتر شد و قرار بود در فیلم دیگری برایشان بازی کنم که سر فیلم دیگری بودم.

## با مرحوم ملاقلی پور هم در فیلم «سینمای» «نسل سوخته» همکاری کردید. این همکاری برایتان چه ویژگی‌هایی داشت؟

در دو فیلم با ملاقلی پور کار کردم و قرار بود بعد از «میم مثل مادر» هم دوباره همکاری داشته باشم که مرگ نابهنگام‌شان مانع چنین همکاری مجددی شد.

## یکی از کارهای آخرتان در تلویزیون حضور در سریال «پلاک ۱۳» بود که به نظر می‌رسد تجربه چندان موفق نبود؟

در شروع و بعد از خواندن فیلمنامه هشت قسمت ابتدایی سریال متوجه کیفیت قابل قبول کار به خصوص در خلق کمدی موقعیت در درام داستان سریال شدم و به همین دلیل بازی در این سریال را پذیرفتم. با شروع فیلمبرداری و انتخاب سایر بازیگران و وجود سرعت بالا برای فیلمبرداری سریال که باید برای بخش به موقع آماده می‌شد شرایط و جنس کمدی فیلمنامه دچار تغییراتی شد و چندان مطابق میل نبود. البته شخصیت ساسان تجربی‌ش به عنوان یک وکیل را دوست دارم و طبق چارچوبی که از ابتدای کار درباره جنس بازی ترسیم شد، در حوزه کمدی موقعیت نقش را ایفا کردم.

## از همکاری با کدام کارگردان سواى مرضیه برومند احساس رضایت بیشتری دارید؟

در سریال «هتل» نمونه‌ای از این شخصیت ارائه کردم و خیلی دوستش دارم و بعد از «کتابفروشی همد» تکامل پیدا کرد.

## در «کتابفروشی همد» در صحنه‌های دو نفره با سحر دولتشاهی بازی‌های جذابی دیدیم؟

کیوان کتابچی عاشق این دختر می‌شود. دختری که کارشناس کتاب بود.

## در چند کار مثل «آب پریا» یک تیپ با مزه و ملموس از پیرمردها را ارائه کردید؟

بیش از شصت درصد از نقش‌هایی که در سریال‌های خانم برومند بازی کردم از ابتدا قرار به بازی‌ام نبود و بر اثر پیش‌آمدی برای بازیگر آن نقش من ایفایش کردم. نقش استاد بهار در سریال «آب پریا» هم همینطور بود. سعید پورصمیمی قرار بود این نقش را بازی کند و چون پیش‌تولید طولانی شد و ایشان سر کار دیگری باید می‌رفتند در سریال بازی نکردند. برای انتخاب بازیگر نقش با توجه به طولانی بودن سریال و کار در شهرستان‌های مختلف نمی‌توانستیم از بازیگر سن و سال دار استفاده کنیم. خانم برومند از من خواست این نقش را بازی کنم و ایشان بعد از ۲۵ سال همکاری چند باری آمد دفتر جلال معیریان و تست گرفیم و نوع گویش برای این نقش را رصد کرد. خودم را برای این سریال چند کیلویی چاق کردم تا کندی پیرمرد در بازی و چهره‌ام دیده شود.

## تجربه کارگردانی فیلم کودکانه «در درها» را داشتید. این تجربه به چه دلیلی دیگر تکرار نشد؟

تهیه کننده فیلم فارابی بود و سه تا جایزه از جشنواره کودک گرفت. بعد از این تجربه فیلمسازی در شرایط سینمای ایران کار دشواری بود و در ضمن من دوست دارم فیلمی بسازم که حرف دلم باشد. با گسترش ممیزی‌ها ترجیح دادم فیلم نسازم.

## علاقه‌ای نداشتید فیلم اجتماعی بسازید؟